# جلسه دوازدهم 29/6/1393

بحث در حکم غیر متمکن از نماز طواف در خلف قریب بود، محقق خوئی در فرض ازدحام، به استناد روایت حسین بن عثمان حکم به اجزاء نماز طواف در خلف بعید نمود.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) يُصَلِّي رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ بِحِيَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنْ ظِلَالِ الْمَسْجِدِ.[[1]](#footnote-1)

حیال المقام در این روایت، یعنی حذاء، محاذات گاهی به معنای چپ و راست است و گاهی به معنای روبرو، نه این که مشترک لفظی باشد، بلکه معنای آن محاذات است که دو فرد دارد.

ولی در معتبره حسین بن عثمان، ظاهرا مقصود خلف بعید است، بعید بودنش را به این جهت می گوییم که در روایت آمده حضرت کاظم علیه السلام نماز طواف را نزدیک سایبان مسجد خواندند و خلف بودنش را به این جهت می گوییم که اگر حضرت در جانبین نزدیک ظلال مسجد نماز می خواندند، باید کج می شدند که رو به قبله نماز بخوانند، و دیگر عرفا گفته نمی شد یمین و یسار مقام نماز خوانده اند، زیرا یمین مقام یک حد عرفی دارد، اگر نسبت شخص با مقام ابراهیم حفظ شود ، صدق می کند بحیال المقام، ولی وقتی کج شود به طرف کعبه، صدق حیال و محاذات مقام نمی کند.

ما گفتیم این که محقق خوئی روایت را دلیل گرفته بر این که در ازدحام اختیارا می شود در خلف بعید نماز خواند و لازم نیست به جانبین برود، ناصحیح است، زیرا شاید در جانبین نمی شده نماز بخوانند و لذا مرحوم امام فرموده اگر بتواند مکلف در جانبین نماز بخواند و قریب به مقام باشد، نباید به خلف بعید برود و با کلام محقق خوئی نمی توان آن را رد کرد، زیرا این معتبره حکایت فعل می کند.

حتی روایت دوم که سند معتبر نداشت و لکثرة الناس داشت، باز هم حکایت فعل است و شاید امام علیه السلام به حرج می افتاده و یا تقیه می کرده است، و شاید امام باز هم نمی توانسته نزدیک مقام نماز بخواند.

لذا ما به سیره قطعیه متشرعه استدلال کردیم که در فرض ازدحام لازم نیست شخص در نزدیک نماز بخواند، و اگر نماز در جانبین قریب ممکن باشد، مقدم بر خلف بعید نیست، و شخص بین این دو مخیر است، زیرا بین دلیل خلفیت و دلیل عندیت تعارض می شود در حالی که جمع بین دو شرط واجب نیست به سبب ازدحام، اما اصل نماز هم قطعا ساقط نیست و لذا برائت از تعین هر یک جاری شده و عملا نتیجه آن تخییر خواهد بود.

مرحوم امام که عندیت را بر خلفیت مقدم کرده اند، ظاهرا قائل به تزاحم در واجبات ضمنیه می باشند، و وقتی مرحوم امام اصل خلفیت را احتیاط واجب کرده و فتوی نداده و به عندیت فتوا داده، طبعا عندیت محتمل الاهمیة شده و موافق با ظاهر آیه هم که می باشد و در نتیجه در تزاحم، عندیت مقدم می شود.

ولی به نظر ما در واجبات ضمنی تزاحم نداریم، زیرا تزاحم در موارد عجز از جمع بین امتثال دو واجب مستقل نفسی است، ولی در تکلیف واحد که یک جعل و یک وجوب بیشتر نیست، تزاحم معنا ندارد تا عند التساوی مخیر بین دو وجوب شویم یا عند وجود الاهم، ترتب بین آن دو برقرار کنیم.

کما این که می توان گفت اطلاق شرطیت عندیت و خلفیت تعارض می کنند، اما اصل شرطیت باقی است و لذا با تخییر منافاتی ندارد.

منسوب به مشهور است که گفته اند اگر خلف قریب نشود نماز بخواند، در جاهای دیگر مسجد الحرام نماز بخواند با مراعات الاقرب فالاقرب.

ولی به نظر ما این نظریه وجهی ندارد، زیرا بعد از عدم تمکن، شرطیت خلف قریب ساقط می شود و دیگر بین امکنه مسجد فرقی وجود ندارد.

ان قلت: دلیل این مطلب قاعده میسور است.

قلت:

اولا: این قاعده دلیل ندارد.

ثانیا: سلمنا، و لکن میسور باید عرفا جزئی از معسور باشد، اما اگر بگوید اکرم العالم و نتوانیم امتثال کنیم، معنا ندارد که بگوییم پس بچه او را اکرام کنیم از باب قاعده میسور، زیرا این دو مباین است و نه این که اکرام ولد عالم، میسورِ اکرام عالم باشد، در ما نحن فیه نیز صلاة بعید از مقام، مباین با نماز قریب به مقام است و نه این که میسور آن باشد، مثل این می ماند که کسی آب وضو ندارد، بگویند با گلاب وضو بگیر که اشبه به آب است از باب قاعده میسور، قطعا وضوی به غیر آب، میسور وضوی به آب نیست، ولو اشبه به آن باشد.

مرحوم تبریزی در بحث ذبح این بحث را داشتند که اگر در منی ذبح ممکن نباشد، بنا بر احتیاط، نزدیکترین جا به منی ذبح کند و لکن به نظر ما این نیز وجهی ندارد.

نماز در طواف معلق

بحثی اخیرا پیش آمده در طواف معلق که الان دو طبقه دارد، طبقه اول حدودا چهار متر از کف مسجد الحرام فاصله دارد و طبقه دوم حدود 13 متر فاصله دارد، حال اگر در طواف معلق طواف کند، سخن در صدق نماز خلف المقام بر روی طواف معلق است، آیا به مقدار چهار متر ضرری به صدق خلف المقام می زند؟

ظاهرا به مقدار چهار متر مشکلی ایجاد نمی کند و صدق نماز خلف المقام می کند، بر خلاف جایی که فاصله زیاد باشد که عرفا صدق خلف المقام نمی کند.

## (مسألة 327)

***من ترك صلاة الطواف عالما عامدا بطل حجه‌لاستلزامه فساد السعي المترتب عليها‌***.[[2]](#footnote-2)

### حکم ترک عمدی نماز طواف

اگر کسی از روی جهل ولو تقصیری یا نسیان، ترک نماز طواف کند یا نماز را باطل بخواند، حجش صحیح است، لذا کسانی که مشکل قرائت نماز دارند، ولو جاهل مقصر باشند، حجشان صحیح است و اگر به بلد خود برگردند، می توانند همان جا نماز طواف را به شکل صحیح بخوانند و حجشان هم صحیح است، به دلیل صحیحه جمیل: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) أَنَّ الْجَاهِلَ فِي تَرْكِ الرَّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ بِمَنْزِلَةِ النَّاسِي.[[3]](#footnote-3)

اما عالم عامد اگر نماز باطل بخواند یا نماز نخواند، حکمش چیست؟

صاحب جواهر فرموده: حج این شخص صحیح است مثل جاهل و ناسی، و قبل از صاحب جواهر شهید ثانی در مسالک فرموده: اصحاب متعرض حکم این شخص نشده اند و لکن مقتضای اصل، صحت حج است و اگر نمی تواند به مقام برگردد، در بلد خود نماز بخواند و محقق نائینی هم فرموده: اقوی القولین، صحت حج است.

اما محقق خوئی حکم به بطلان حج شخص عالم عامد کرده و دلیل آن را در متن مناسک چنین بیان کرده که بطلان حج، به سبب بطلان سعی است، زیرا شرط صحت سعی، وقوع بعد از نماز طواف است.

البته این تعلیل ناتمام است و اگر کسی بعد از سعی متذکر نسیان نماز شود، سعی او باطل نیست، زیرا ترک او از روی عمد و علم نبوده، اما حال که ملتفت شده اگر عمدا نماز نخواند، حجش صحیح است؟ این خلاف نظر ایشان است که ترک نماز را عمدا به طور کلی سبب بطلان حج می داند.

1. وسائل الشيعة ج‏13 433 75 باب جواز صلاة ركعتي الطواف بحيال المقام بعيدا عنه مع الزحام ..... ص : 433 [↑](#footnote-ref-1)
2. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 144 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏13 428 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-3)